

سرمقاله: جنگ افروزی نظام سرمایه داری برای فرار از مشکلات

آن سوی خبرها

شعر: شب تا پگاه

روبسپیر فرمان را دیر امضا کرد!

منشا آلودگی کجاست؟

شعر: چه فرق می کند که...

دروغ هرچه بزرگتر، باور ناپذیرتر

فعالان کارگری زیر فشار حکومت: تکرار سناریو دهه ۱۳۶۰

نون جهان

شماره دهم / شهریور ۱۳۸۹

Email: jahanenovin@gmail.com

<http://jahanenovin.blogspot.com>



عکس‌ها از بالا به پایین:

- ۱- سالگرد کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۱۳۶۷
- ۲- دستگیری معترضان به اجلاس سران G8 و G20 تورنتو، جون ۲۰۱۰
- ۳- تجمع خانواده زندانیان سیاسی که اعتصاب غذا کرده بودند



مقاله

جنگ افروزی نظام سرمایه داری برای فرار از مشکلات

بحران سراسری سرمایه‌داری که در سال گذشته اوج گرفته بود و می‌رفت تا تار و پود نظام سرمایه‌داری را به خطر اندازد، به نظر می‌رسد کمی آرام گرفته است و با ترفندهای بسیار، تزریق وجوه وحشتناک، بالا نگه داشتن مصنوعی قیمت‌ها و تورم بازار، ظاهر نظام را حفظ کرده‌اند. این بحران از حباب قیمت‌های توهمی سرمایه‌داری آغاز شده بود، قیمتی که هیچ تناسبی با ارزش واقعی کالا و خدمات نداشت و تنها با ترفندها و جادوگری‌ها و شامورتی بازی‌های سرمایه‌داری به بازار تحمیل شده بود. با ترکیدن این حباب قیمت‌ها، سقوط سود سرمایه‌داری آن-چنان شرایطی را به وجود آورد که نظام سرمایه‌داری در حال فروپاشی بود.

هرچند با تزریق پول‌های کلان برای بالا نگه داشتن قیمت‌های مصنوعی و کنار گذاشتن تئوری بازار که سه دهه بر روی آن تبلیغ شده بود، بحران به‌طور موقتی فروکش کرده است و دولت‌ها به نمایندگی از سرمایه‌داران سررشته اصلی حفظ قیمت‌ها را به‌دست گرفته‌اند، اما اساس این بحران حل نشده و نظام سرمایه‌داری هم‌چنان با احتمال بازگشت شدیدتر بحران مواجه است؛ زیرا که این نظام قادر نیست تفاوت ارزش واقعی کالا و قیمت‌های مصنوعی و حباب‌گونه را حل کند و حل مساله در گرو نابودی این نظام سود محور است. ناتوانی این نظام در حل تضادهای ذاتی خود و ناتوانی از حل بحران‌ها هر از چند گاهی نظام سود محور را به جانب جنگ‌های خانمان برانداز سوق می‌دهد.

به خیال خودشان با جنگ‌افروزی و با شعله‌ور کردن آتش جنگ‌های منطقه‌ای می‌توانند تا

حدودی قیمت‌ها را بالا نگه داشته و به بازار ورشکسته رونق بخشند. جنگ‌طلبی‌های اخیر این نظام در برابر ایران، تصویب تحریم‌های اخیر آمریکا و اروپا، علاوه بر قطع‌نامه تحریم شورای امنیت سازمان ملل، بازرسی کشتی‌های ایران و تحریم ضمنی معامله نفت ایران، یادآور فعالیت‌های قبل از حمله به عراق در سال‌های انتهایی قرن گذشته است.

تحركات نظامی در منطقه و در سطح جهان، تشدید جنگ افغانستان و تشدید ناآرامی‌ها در عراق، سیل زیر دریایی‌های اتمی به منطقه و ... همه و همه حاکی از آن است که نظام سلطه جهانی، زمینه‌های یک جنگ جدید را در خاورمیانه فراهم می‌کند تا شاید با به‌راه انداختن آن بتواند از بار مشکلات خود بکاهد.

**احتکارگران، انحصارطلبان، قهرمانان
بازار سیاه و اقتصاد میلیتاریستی از
شرایط جنگی بیشترین سود را
می‌برند و ایجاد آن شرایط را به هر
ترتیب به نفع خود می‌دانند.**

از طرف دیگر نیروهای واپس‌گرا و محافل قدرت در ایران، در سه دهه دشته امکان بقای خود را تنها در بحران‌های مختلف، جنگ‌افروزی و بحران آفرینی یافته‌اند. این محافل تلاش می‌کنند که با آتش‌افروزی جدید به صورت جنگ داخلی یا منطقه‌ای، تا حدودی بحران مشروعیت خود را حل کنند و تا آنجا که می‌توانند، هم‌چنان بر اریکه قدرت باقی بمانند. زمینه‌های بحران وسیعی که در سال گذشته به شدیدترین وجهی از جانب محافل قدرت سرکوب شد، هم‌چنان باقی است و با وجود هزاران زندانی سیاسی و دارای محکومیت و هم‌چنین عدم پاسخ‌گویی به هیچ‌یک از خواسته‌های معترضین، هیچ‌گونه نشانه‌ای مبنی بر

فروکش کردن آن به چشم نمی‌خورد و تنها شیوه اعتراضات تغییر کرده است.

محافل قدرت در ایران، ابتدا انتظار داشتند با اعدام جوانان کرد و حملات متعدد به پایگاه‌های خارجی گروه‌های مخالف کرد، جنگی را در منطقه دامن بزنند تا از طریق آن بتوانند بر بحران داخلی خود سرپوش بگذارند. اما پاسخ متفاوت مردم کردستان با اعتصاب سراسری که شیوه جدید مبارزاتی است، محافل جنگ‌افروز را مایوس کرد و بیان‌گر آن شد که تا به خواسته‌های به حق مردم پاسخ مناسبی داده نشود، اعتراضات فروکش نخواهد کرد. از همین‌رو است که محافلی که اعتراضات مردمی را به خشن‌ترین وجهی سرکوب کرده‌اند، عادت بر آن دارند که از هرگونه پاسخ مناسبی به خواسته‌های مردم سرباز زده و در عوض، با ایجاد بحران جدید از جمله جنگ-افروزی، انحرافی در اذهان عمومی به‌وجود آورند.

علاوه بر آن احتکارگران، انحصارطلبان، قهرمانان بازار سیاه و اقتصاد میلیتاریستی، از شرایط جنگی بیشترین سود را می‌برند و ایجاد آن شرایط را به هر ترتیب به نفع خود می‌دانند. در نتیجه شاهد آن هستیم که در چند هفته اخیر، بر جنگ‌افروزی از سوی دو طرف دامن زده می‌شود.

مردم تحت ستم که مدت‌ها است خواسته‌های برحقشان از جانب قدرت‌مداران نادیده گرفته شده است و ترفندهای بحران‌آفرینی را برای پایمال کردن حقوقشان به خوبی می‌شناسند، هیچ‌گاه از جنگ‌افروزی و آتش‌بیاری معرکه در این زمینه حمایت نکرده‌اند و به خوبی می‌دانند جنگ میان قدرت‌های مختلف هیچ‌گاه به نفع مردم زحمتکش، کارگران و طبقه فرودست نخواهد بود.

این سرمایه‌داران و محافل قدرت و ثروت هستند که از جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها همواره در جهت سود و منفعت خود حمایت می‌کنند و این کارگران و زحمتکشان و فرزندان طبقه فرودست هستند که به اجبار، به جبهه‌های جنگ روانه می‌شوند تا مطامع جنگ‌افروزان برآورده شود.

آن سوی خبرها

همان به که خودکفا نشویم.

☺ سرهنگ پاسدار اردشیر مقیم پور (با نام مستعار حسین بیژنی) مدیرعامل شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، با انتقاد از سازمان تأمین اجتماعی و اداره کار اعلام کرد که حرفه رانندگی اتوبوس جزو مشاغل سخت و زیان آور است و رانندگان اتوبوس باید ۵ سال زودتر بازنشسته شوند.

☺ این رو میگویند مدیر متعهد. البته بین خودمون باشه: این تعهد به بوهایی می‌دهد. احتمالاً فکر می‌کنند با این ترفندها می‌توانند سایه‌ی بچه‌های سندیکا را از سر شرکت واحد اتوبوس رانی کم کنند!

☺ اضافه کار کارگران ایران خودرو و سایپا را قطع کرده‌اند. به گزارش خبرگزاری کار ایران، کارگران ایران خودرو با اعتراض به این روند چنین می‌گویند: "تولید شیف اول" ال نود" تعطیل شده و تولید "ایران خودرو دیزل" بیش از یک ماه است که متوقف شده است."

مجید باقری خوزانی، معاون منابع انسانی گروه صنعتی ایران خودرو، اعلام کرده است: "اهتمام هوش‌مندانه کارکنان ایران خودرو برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی باعث محدود شدن اضافه کار شده است."

☺ بله دیگر وقتی صرفه‌جویی از تولید مهم‌تر است، شاید هم لازم باشه برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی، کل صنعت تعطیل شود و همه کارگران اخراج شوند.

☺ به گزارش خبرگزاری مهر، به نقل از یک نماینده مجلس، قرارگاه خاتم الانبیا (از شرکت-های وابسته به سپاه پاسداران) از این پس در پروژه‌های زیر صد میلیارد تومان وارد نمی‌شود.

☺ بیخود نیست که به قرارگاه خادم الاغنیاء معروف شده است.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، قیمت خرده فروشی گوشت قرمز ۳۱.۴ درصد و قیمت قند و شکر حدود ۵۰ درصد نسبت به دوره مشابه پارسال رشد داشته است. (روزنامه آرمان ۷ مرداد)

☺ همین خود دلیل عدالت پیشگی است.

☺ آقای وزیر کار بیش از شش میلیون بیکار را فاقد تخصص و بی‌حال می‌داند. به نوشته روزنامه‌های ۱۱ مرداد وزیر کار و امور اجتماعی گفته که بیکاران حال کار کردن ندارند. قبلاً هم ایشان گفته بود وزارت کار متولی اشتغال و بیکاری نیست. (نقل به مضمون)

☺ آقای وزیر باید یافته‌های علمی!!! خود را از جامعه کارگری و شرح وظایف وزارت کار را تالیف کرده و در دانشگاه‌ها تدریس کند وگرنه این همه دانش زنده به گور می‌شود.

☺ بنا به اخبار روزنامه‌های دوشنبه یازدهم مرداد کارگران ۱.۵ درصد بیش از سال پیش طعم تلخ بیکاری را می‌چشند. رشد ۱.۵ درصدی بیکاری در شرایطی اتفاق افتاده که هنوز در ابتدای راه حذف یارانه هستیم که آثار ویرانگر آن، گرانی مواد غذایی و از جمله گرانی نان، لبنیات و مواد پروتئینی را به ارمغان آورده است.

☺ راستی بیکاران پس از حذف کامل یارانه‌ها چگونه گذرانی خواهند داشت؟

☺ گرانی بالای ۳۰ درصد مرغ و تخم‌مرغ در شرایطی اتفاق افتاده که به نوشته روزنامه آرمان از قول معاون امور دام وزیر جهاد کشاورزی، با تولید بیش از یک میلیون و ۶۵۰ هزار تن گوشت مرغ، کشور در تولید گوشت مرغ به خودکفایی رسیده است. (روزنامه آرمان ۶ مرداد)

☺ اگر نتیجه خودکفایی، گرانی مواد غذایی و دور از دسترس بودن آن برای زحمتکشان است،

☺ کارکنان مرکز اطلاعات تلفن ۱۱۸ شرکت مخابرات کرمانشاه در اعتراض به کاهش حقوق و دستمزدهای خود مقابل استانداری کرمانشاه تجمع کردند. به این افراد گفته شده که حقوق‌شان از این ماه نصف خواهد شد، هرکس می‌خواهد بماند و هر که نمی‌خواهد برود. (روزنامه شرق ۲ مرداد)

☺ شهر هرت که میگویند کجاست؟

☺ حدود ۱۰۰ نفر از کارگران یک شرکت راه سازی به نام "نام‌آوران" در اعتراض به تعویق ۹ ماه حقوق خود، روز یکشنبه سوم مرداد دست از کار کشیدند. این کارگران چند روز پیش از این هم در مقابل دفتر این شرکت تجمع کرده بودند که با گرفتن وعده دریافت دو ماه حقوق به تجمع خود پایان دادند. (روزنامه شرق ۴ مرداد)

☺ این هم از نتایج فقدان تشکیلات است که وعده خشک و خالی می‌تواند کارگران را به خانه بفرستد.

☺ کارگران لوله سازی خوزستان که ۶۰۰ نفر هستند ۱۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. این کارگران در روز ۳ مرداد در مقابل ساختمان دادگستری راه‌پیمایی کرده و نسبت به دیرکرد در پرداخت حقوق اعتراض داشتند. کارگران می‌گویند از نظر تولید و فروش مشکلی نیست. اما عدم ثبات مدیریت و مساله مالکیت این کارخانه موجب بروز مشکلات شده است. کارگران این کارخانه سال‌هاست که با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند. (روزنامه شرق ۴ مرداد)

☺ چاره‌ای جز ایجاد تشکل‌های مستقل کارگران نیست.

☺ به گزارش مدیریت کل آمارهای اقتصادی اداره آمار بانک مرکزی، در دو ماه اول امسال دستمزد بنا و کارگر ساده ساختمانی نسبت به ماه مشابه سال گذشته کمتر از ۵ درصد افزایش داشته است.

آن سوی خبرها

☺ به نوشته‌ی روزنامه‌های ۱۴ مرداد، اسداله عسگرولادی، مقام برجسته اتاق بازرگانی و برادر دبیرکل سابق موفته، اعلام کرده که ثروت او نسبت به ثروتمندان کشور مثل ارزن است در مقابل تپه. با این حال وی گفته که به میلیاردی بودنش افتخار می‌کند.

☺ **باز هم خدا پدر ایشان را پیامرزد که ماسک خودش را کنار زد و با وفاداری به ارزش‌های جاری و ساری سرمایه‌داری (پول)، ارزش‌های خودش را تعریف کرد.**

☺ به گزارش ایلنا، رییس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شهر تهران گفت: "تعداد کارگران فصلی طی یک سال اخیر بیشتر شده است. متأسفانه عدم فعالیت مفید کارخانه‌های کوچک تجاری در شهرک‌های صنعتی و آزاد شدن نیروی کار در این شهرک‌ها، به تعداد کارگران فصلی سرگردان در سر چهارراه‌ها اضافه کرده است."

☺ **کلمه و ترکیب‌های تازه:**

آزاد شدن نیروی کار = اخراج کارگران
کارگران فصلی سرگردان = کارگران بی‌کار
جوایای کار
سر چهارراه‌ها = پاتوق‌های کارگران غیر
مشکل.

☺ استفاده ناتو از بمب‌های حاوی اورانیوم در عراق، امکان تولد توزاد سالم را تا سه نسل منتفی کرده است. دکتر منجد عبدالباقی، از کارشناسان وزارت علوم و فناوری عراق، با اشاره به وجود ۱۰۰ نقطه آلوده به بقایای بمب‌های ریخته شده در عراق، تأکید کرد: ابتلا به سرطان در جنوب عراق، طی سال‌های آتی تدریجاً به مرکز و شمال کشور توسعه پیدا می‌کند.

☺ **سرطان حداقل آلودگی دموکراسی پیشنهادی آمریکا و ناتو به کشورهای منطقه است.**

☺ دکتر ژانت مهجوری، متخصص زنان و زایمان در گفت‌وگو با ایلنا، نسبت به افزایش و عوارض سقط جنین غیرقانونی و بارداری ناخواسته در میان گروه سنی ۱۸ و ۱۹ سال هشدار داد. وی گفت اغلب افرادی که برای سقط جنین مراجعه می‌کنند دختران و زنانی هستند که به دلیل فقر مالی و از روی ناچاری، به عقد موقت تن داده‌اند.

☺ **چشم سینه‌چاکان و مبلغان ازدواج موقت روشن.**

☺ در آتش‌سوزی پتروشیمی خارک ۴ کارگر جان باختند. به گزارش ایلنا، این پتروشیمی که متعلق به بخش خصوصی است، در ۱۸ مرداد دچار آتش‌سوزی شد. هم‌چنین در آتش‌سوزی ناشی از انفجار پتروشیمی پردیس در عسلویه ۵ نفر کشته شده و یک نفر به شدت مجروح شد. به گزارش روزنامه آرمان ۱۴ مرداد، فاز دوم این پتروشیمی هفته قبل از این انفجار رسماً افتتاح شده بود. اگر مرگ‌های ناشی از عدم رعایت موازین ایمنی توسط سرمایه‌داران در کارگاه‌ها مورد تحقیق بی‌طرفانه‌ی قضایی قرار گیرد و به‌هیچ‌گرفتن جان زحمتکشان، قتل عمد تلقی شود، احتمال تکرار این فجایع کاهش می‌یابد.

☺ **اما اگر بی‌طرفی قضایی دیدید، سلام ما را هم برسانید.**

☺ به نوشته روزنامه آرمان ۱۴ مرداد، یک کارگر اخراجی در ایالت کنتیکات آمریکا طی تیراندازی ۸ نفر را کشت و پس از آن اقدام به خودکشی کرد.

☺ **قابل توجه آنان که آمریکا را قبله و بهشت خوشبختی می‌دانند.**

☺ وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگو با ایلنا اعلام کرد: "هیچ مدیری حق دریافت شهریه از دانش‌آموز را ندارد"

☺ **لازم به یادآوری است که نام شهریه به همیاری تغییر یافته است و آن را از اولیای**

دانش‌آموز می‌گیرند نه از خود دانش‌آموز.

☺ در مجلس شورای اسلامی، پس از رد لایحه لغو قرارداد موقت، اقدام دیگری علیه کارگران در حال تدوین است. این طرح که یک فوریت آن به تصویب مجلس رسیده، بر آن است که سن مشمولین دریافت بیمه بیکاری را افزایش و مبلغ آن را نسبت به سابق کاهش دهد. در این طرح هم‌چنین، شرط داشتن مهارت و ثبت نام در کاربایی‌ها و داشتن حداقل یک سال سابقه پرداخت حق بیمه، برای مشمولین دریافت بیمه بیکاری الزامی شده است. هم‌چنین حداکثر زمان دریافت مقرری بیمه بیکاری از ۵۰ ماه به ۴۰ ماه کاهش یافته است. در صورت تصویب نهایی این طرح، رقم دریافتی بیمه بیکاری، که ۵۵ درصد کل دریافتی کارگر را شامل می‌شد، به ۳۰ درصد حداقل دستمزد برای مجردان و ۴۰ درصد حداقل دستمزد برای متاهلان، کاهش خواهد یافت. (نقل از روزنامه آرمان ۱۴ مرداد)

☺ **تصویب این طرح، چه چیزی را به نمایش می‌گذارد؟ واکنش کارگران چه خواهد بود؟**

☺ سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: "سه چهارم درآمد مردم صرف اجاره مسکن می‌شود."

☺ **با توجه به تعیین حداقل حقوق مصوب ۳۰۳ هزار تومانی، حساب کنید یک خانواده ۴ نفره کارگری، از چقدر رفاه!!! برخوردارند؟**

☺ مدیر عامل سازمان بنادر و دریانوردی، با اشاره به واگذاری آستارا و فریدون‌کنار به بخش خصوصی گفت: بندرهای چمخاله و کیشهر هم تا پایان سال باید واگذار شود. (روزنامه شرق ۲۰ مرداد)

☺ **با وسعتی که واگذاری عرصه‌های عمومی به بخش خصوصی پیدا کرده، بعید نیست که به زودی واگذاری اکسیژن موجود در هوا هم به بخش خصوصی به اطلاع عموم برسد.**

آن سوی خبرها

😊 خبرگزاری مهر در گزارشی از سالنامه آماری کشور اعلام کرد از سال ۸۰ تا ۸۷ سرانه مصرف گوشت قرمز ۷ کیلو کاهش داشته است. بر اساس آمار فائو، سرانه مصرف گوشت در امریکا ۴۵ کیلو، استرالیا ۴۰ کیلو و کانادا ۳۲ کیلو است. سرانه مصرف گوشت در خانوارهای شهری در ایران، معادل ۱۴.۵ کیلو گرم است. (شرق ۲۰ مرداد)

😊 به عبارت صحیح‌تر، خانواده‌های بیشماری در ایران، سفره‌هایشان همیشه از گوشت خالی است.

😊 به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران قراردادی کارخانه نوشابه سازی ساسان، پس از ۵ ماه اخراج دسته‌جمعی هنوز موفق به دریافت بیمه بیکاری نشده‌اند. کارگران اخراجی می‌گویند کارفرما نیروی جایگزین را با حداقل حقوق و حذف ناهار و سرویس استخدام کرده است. (شرق ۲۰ مرداد)

😊 سوءاستفاده سرمایه داری از عدم تشکیلات کارگری، شرایط را بدتر از این هم می‌کند.

😊 همایش ایرانیان خارج از کشور ۸۰ میلیارد تومان هزینه داشته است. مریم بهروزی با اعلام این رقم گفت: دیوان محاسبات و مجلس باید پی‌گیری کنند تا مشخص شود با چه نیتی، این هزینه از جیب ملت پرداخت شده است. (آرمان ۱۹ مرداد)

😊 این پرسش خانم بهروزی، که دستی هم بر آتش دارد، عجیب است. خب با همان نیتی که هزینه‌های بزرگ‌تر از این، از جیب مردم پرداخت می‌شود.

😊 وزیر امور اقتصاد و دارایی و سخننگوی اقتصادی دولت در نشست خبری اعلام کرد: آزاد سازی قیمت‌ها آغاز شده است. (آرمان ۱۹ مرداد)

😊 این کلمه "آزاد" هم عجب گرفتاری شده.

هرچه که قرار است گران شود و فشار مضاعف بر مردم وارد آید، این کلمه را بر آن می‌افزایند. اقتصاد آزاد، قیمت آزاد، بازار آزاد، دانشگاه آزاد، منطقه آزاد، ... امیدواریم دیگر بر این مجموعه اضافه نشود، وگرنه امکان همین تنفس خشک و خالی هم از محرومین گرفته می‌شود.

😊 جانشین فرمانده نیروی انتظامی کشور می‌گوید: "خبرنگاری یک شغل مقدس است و مقدس‌تر از این شغل نداریم."

سردار رادان گفت: "نباید به هر فردی اجازه داد وارد حرفه خبرنگاری شود. (شرق ۱۸ مرداد)

😊 چه لزومی دارد خبرنگار از وقایع جامعه عکس و خبر تهیه کند. تنها کسانی باید به این شغل مقدس اشتغال داشته باشند که کاری به واقعیات جامعه ندارند، وگرنه به همان بلایی مبتلا می‌شوند که بیشتر خبرنگاران نفوذی به این حرفه مبتلا شدند.

شب تا پگاه

شب چه با اصرار می‌پوشد سیاه
هر چه اختر بیند اندازد به چاه

ماه را در گوشه‌ی زندان کین
کرده آلوده به کیش اهل دین

از چه می‌آلاید این سامان به قیر
شمع و شب‌تاب از چه این سان گوشه‌گیر

ترس از کوری پر ایمان گرفت
جن ز بسم‌الله این شب جان گرفت

خنده‌ی مستانه‌اش را دیده‌ای؟
میوه‌ی انصاف! او را چیده‌ای؟

خنده‌اش دود سیاه و سرد بود
میوه‌ی باغ‌اش ذغال و گرد بود

وحشت کوری قلم را لال کرد

شیرهای بیشه را بی‌یال کرد

وحشت از گم کردن ره، شد شعار

پای رفتن شد چو سنگ کوهسار

آنک آنک چند سالک پا به راه

نرم نرمک پشت هم تا رزم‌گاه

گه یکی پایش به سنگی می‌گرفت

گاه سنگی پای لنگی می‌گرفت

عاشقی آتش فکند از داغ دل

بر ره تاریک و شب زان شد خجمل

بعد از آن شب‌تاب و شمع آزاد شد

شعله‌ی اندک از آن پس باب شد

مدعی‌های دروغین با خدنگ

حمله‌ها کردند از شهر فرنگ

آن یکی گفتش که ای مردم هوار

با یکی گل کی رسد آخر بهار

وان دگر مستهزی شب‌تاب شد

شمع هم از سخره‌اش بی‌تاب شد

شب هنوزم خنده‌ها دارد به لب

لیک این خنده نمی‌کاهد ز تب

عاشق و شب‌تاب و شمع و سرخ گل

پشت‌گرم از هم بنا کردند پل

پل ز جان خویش تا مرز پگاه

ای شماییان ما همین دیدیم راه

روبسیپیر

فرمان را دیر امضا کرد!

به مناسبت ۱۴ ژوئیه

سالگرد انقلاب کبیر فرانسه

یکی از غم‌انگیزترین سرنوشت‌ها برای انقلاب کبیر فرانسه مراسم خلع روبسیپیر و یارانش از کنوانسیون (یا مجلس ملی فرانسه) و سپردن آن‌ها به تیغ گیوتین بود. آنها که انقلابیون راستین و پی‌گیری بودند و خواسته‌های دهقانان فقیر و زحمتکشان شهری را نمایندگی می‌کردند، یک دوره انقلاب را به دست گرفتند و بر کنوانسیون مسلط شدند. در دوره حاکمیت آنها (ژاکوبین‌ها) زمین‌های اربابان میان دهقانان تقسیم شد و زمین‌های کلیسا ملی اعلام شد، مالیات‌ها کم شده و زمینه‌ی گسترش صنایع آماده شد و قوانینی در حمایت از نیروی کار به تصویب رسید. ژاکوبین‌ها با فساد اداری مبارزه‌ای خستگی‌ناپذیر داشتند و حتی در این راه افراط نیز کردند. رهبر آنها روبسیپیر، یک مسیحی معتقد اما ضدفساد بود و به فسادناپذیر معروف بود. ژاکوبین‌ها در مجلس ملی فرانسه در طرف چپ پارلمان و طرفداران نظم موجود یا ژیروندن‌ها، در سمت راست مجلس می‌نشستند. از آن زمان بود که انقلابیون پی‌گیر و مخالف نظم کهن، به "چپ" معروف شدند. سرنوشت غم‌انگیز ژاکوبین‌ها می‌تواند درس عبرتی برای همه‌ی نیروهای مترقی باشد. به تدریج تمام نیروهای مخالف ژاکوبین‌ها، که از اقدامات افراطی آنها احساس خطر می‌کردند، با یکدیگر متحد شده

و در روز تاریخی ۲۶ ژوئیه ۱۷۹۴ در کنوانسیون، رای به دستگیری روبسیپیر و یارانش دادند. نیروهای ژاندارم تحت فرمان راست‌گرایان، در بیرون پارلمان آنها را دستگیر کردند تا به زندان ببرند و سپس محاکمه کنند. اما مردم فقیر، دهقانان و کارگران شهری، که طرفدار روبسیپیر بودند، بلافاصله خودشان را متشکل کرده و در آستانه ورود روبسیپیر و یارانش به زندان، با محاصره ژاندارم‌ها و فراری دادن‌شان، روبسیپیر را به میان مردم و انقلابیون باز گرداندند. مردم به هیجان آمده از همان ابتدا خواستند که روبسیپیر فرمان انقلاب علیه کنوانسیون را صادر و رای‌گیری کنوانسیون را باطل اعلام کند. اما روبسیپیر که خود را مرد قانون می‌دانست، از این کار امتناع کرد و هوادارانش را به اطاعت از قانون فراخواند. در حالی که مردم فریاد می‌زدند: "زنده باد روبسیپیر. زنده باد حکومت شهرداری"، روبسیپیر در جواب می‌گفت: "زنده باد جمهوری". این اختلاف که از ظهر آن روز شروع شد، تا ۲ نیمه شب ادامه یافت. ژاکوبین‌ها در حالی که مسلح می‌شدند، شعار تسخیر کنوانسیون و نهادهای ارتجاعی را می‌دادند، اما روبسیپیر مدام آنها را به اطاعت از قانون و احترام به رای کنوانسیون دعوت می‌کرد. سرانجام در شبانگاه، مردم که از جلب موافقت روبسیپیر در تسخیر نهادهای ارتجاعی مایوس شده بودند، به خانه‌های خود رفتند. در این میان، چانه‌زنی میان یاران نزدیک روبسیپیر و او درباره‌ی تسخیر نهادهای ارتجاعی و امضا فرمان انقلاب

ادامه داشت؛ اما در طی نیم‌روز، نیروهای راست که از دودلی روبسیپیر آگاه شده بودند، خود را سازمان داده و فرمانی را از طرف کنوانسیون منتشر کردند که مخالفان را به اعدام تهدید می‌کرد. تردید روبسیپیر در تصمیم و فرمان اعدام مخالفان از جانب نهادهای ارتجاعی، باعث یاس بیش از پیش مردم شد. سرانجام در ساعت ۲ نیمه شب، روبسیپیر پذیرفت که فرمان انقلاب را امضا کند و "مرد قانون" برخلاف قانون ارتجاعی نظر بدهد. اما در این هنگام، اغلب مردم انقلابی و ژاکوبین‌ها که دیگر از روبسیپیر و صدور فرمان انقلابی توسط او، مایوس شده بودند، به خانه‌های خود رفته بودند و در نتیجه ژاندارم‌ها به راحتی توانستند وارد ساختمان شهرداری، محل استقرار روبسیپیر و یارانش شوند. در حالی که روبسیپیر تنها دو حرف اول امضا خود را نوشته بود، توسط ژاندارم‌ها با خشونت تمام دستگیر و با ضرب و شتم برده شد. مرد قانون را با سر و دست شکسته و دهان خون‌آلود، ظرف چند ساعت تحویل دادگاه دادند و همان دو حرف اول امضای او را، به عنوان سند محکومیت او به دادگاه ارائه دادند و اعدام او را تایید کردند. سپیده‌دم که مردم فرانسه از خواب بیدار شدند، روبسیپیر و یارانش با بدن‌های زخمی به تیغ گیوتین سپرده شدند و دوران ترور (وحشت) برای ژاکوبین‌ها آغاز گشت. دورانی که هزاران نفر از انقلابیون راستین و ژاکوبین‌ها، به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

منابع خبری این شماره: خبرگزاری ایلنا، روزنامه شرق، روزنامه آرمان، خبرگزاری مهر، خبرگزاری فارس

تماس با نشریه:

برای دانلود نسخه pdf نشریه جهان نوین، به وبلاگ نشریه مراجعه کنید:

<http://jahanenovin.blogspot.com>

یا با ایمیل نشریه تماس بگیرید:

jahanenovin@gmail.com

برای تبادل نظر با هیات تحریریه و یا ارسال مطالب‌تان برای انتشار در جهان نوین، با هم‌میل تماس بگیرید. مطالب نشریه، به تدریج در وبلاگ جهان نوین منتشر می‌شود. برای تبادل نظر جمعی، می‌توانید در این وبلاگ، نظرات‌تان را منتشر کنید.

در صورت امکان، جهان نوین را به ایمیل دوستان خود ارسال کنید. نسخه pdf جهان نوین، مناسب پرینت روی کاغذ A4 است. با پرینت و تکثیر نسخه کاغذی جهان نوین، می‌توانید طیف مخاطبان جهان نوین را گسترش دهید.

منشا آلودگی کجاست؟

دیریست هر از گاهی، اعلام بروز نوعی آلودگی، وحشت بر جان مردم می‌اندازد و ناامنی و بحران، عرصه‌های زندگی را تحت الاشعاع قرار می‌دهد. ناامنی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اینک ناامنی زیستی: آب آلوده تهران.

انگار ناامنی می‌بارد:

فاجعه مرگ در تصادفات جاده ای، درگیری و بحران به دلیل عدم پرداخت حقوق و دستمزد در مواقعی حتا با تاخیری بیش از ۱۵ ماه، اعتیاد، بی-پناهی کودکان کار و خیابان، آدم‌ربایی و آوار شدن دیوار و داربست بر سر کارگران و رهگذران، اعدام کودکان به جرم قتل، تهدید به جنگ از طرف امپریالیسم متجاوز، زلزله و اعلام مرتب امکان فاجعه قریب‌الوقوع آن در پرجمعیت ترین شهر کشور، اعدام جوانان به جرم همکاری با گروه‌های محارب، خودسوزی زنان، خودکشی دانشجویان و کارگران و قتل‌های خانودگی، قطع دست به جرم سرقت، تجاوز به عنف، بیکاری، تحریم، بیماری‌های نو به نو و قیمت‌های سرسام‌آور ویزیت و دارو، گرانی و تورم عنان گسیخته مواد غذایی و عدم تناسب دستمزدها با هزینه‌ها، تعطیلی کارخانه‌ها، ویرانی زمین‌های زراعی و باغ‌ها به دلیل واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی و دامی، حبس‌های طولی‌المدت به جرم روزنامه‌نگاری و فعالیت اجتماعی، آلودگی گوشت و برنج، آلودگی رودخانه‌ها به فاضلاب صنعتی، از بین رفتن منابع آب در سفره‌های زیر سطحی، امکان خشک شدن زاینده‌رود و دریاچه اورمیه، پیشروی کویر بر اثر غارت جنگل‌ها و مراتع و عواقب زیست محیطی ناشی از آن و ... آلودگی آب تهران به نیترات به ویژه در مناطق پرجمعیت حاشیه شهر.

وزیر متولی بهداشت از سر دلسوزی و مسئولیت اعلام می‌کند آب تهران آلوده است و حتا به مادران هشدار می‌دهد که به فرزندان خود آب

معدنی بدهند، زیرا نیترات موجود در آب شرب لوله‌کشی تهران، بیش از حد مجاز است و ممکن است به خفگی کودکان منجر شود.

این خبر بلافاصله از طرف وزیر متولی آب و مسئولیت آب و فاضلاب تهران تکذیب می‌شود، اما مسئولین شهری اعلام می‌کنند که در مناطق سیاه، آب معدنی رایگان توزیع می‌شود. هیچ‌یک از اهالی این محلات، آب معدنی رایگان را نمی‌بینند، اما به ناچار، هر بطری آب معدنی را ۱۰۰ الی ۳۰۰ تومان گران‌تر می‌خرند. (روزنامه شرق ۲ مرداد) علاوه بر فروشندگان آب معدنی، تاجرهای

راستی شما به کدامیک از این گزارش‌ها اعتماد می‌کنید؟ به باور ما، وقتی سود، ارزش و معیار همه ارزش‌ها باشد، همان اتفاقی می‌افتد که شرح آن رفت و نه تنها روان مردم، که سلامتی مردم نیز می‌تواند مورد چپاول قرار گیرد.

فروشنده دستگاه‌های تصفیه آب هم به نان و آبی می‌رسند.

وزیر متولی بهداشت که اعلام کرده بود از نمونه‌برداری‌هایی که از آب تهران شده، اطلاعات کامل دارد و مردم را از آلوده بودن آب مطمئن کرده بود، در دوم مرداد یعنی فقط ۵ روز بعد

می‌گوید آب تهران به هیچ وجه آلودگی ندارد. (شرق ۲ مرداد) شاید تحت فشار، نایب رییس کمیسیون بهداشت، که به نمایندگی از مجلس تازه وارد ماجرا شده، اعلام می‌کند: فاضلاب‌های جنوب شهر تهران با آب شرب تداخل دارد (روزنامه آرمان ۳ مرداد)

بشیر خالقی عضو کمیسیون بهداشت مجلس با کوچک‌تر کردن منطقه جغرافیایی آب‌های آلوده اعلام می‌کند که با بررسی نقشه آب‌های شهر تهران

و آزمایشات انجام شده، مشخص شد فقط نیترات موجود در آب‌های اطراف منطقه‌ی یافت‌آباد بیشتر از حد مجاز است (شرق ۴ مرداد) و بالاخره مرتضی تمدن استاندار تهران خیال همه را راحت می‌کند و آب تهران را از آب‌های معدنی سالم‌تر هم اعلام می‌کند و برخی از شرکت‌های آب معدنی را که به دنبال فروش بیشتر بوده‌اند، عامل این شایعه پراکنی معرفی می‌کند (آرمان ۶ مرداد). اما کارشناس مسئول بهداشت محیط غرب تهران می‌گوید: ما نمی‌توانیم گزارشی درباره آب ارائه کنیم، زیرا بسیار محرمانه است. آن‌قدر محرمانه که حتا نمی‌توانیم گزارش‌های مان را از طریق سیستم‌های رایانه‌ای به مراکز بهداشت دیگر ارسال کنیم. (روزنامه شرق ۷ مرداد)

این که مردم و رسانه‌ها حتا نسبت به گزارشات‌ی که به سلامتی جسم و جان‌شان مربوط است، نامحرم تلقی می‌شوند، تنها جایی طبیعی است که سود محور همه چیز است.

راستی شما به کدامیک از این گزارش‌ها اعتماد می‌کنید؟ به باور ما، وقتی سود، ارزش و معیار همه ارزش‌ها باشد، همان اتفاقی می‌افتد که شرح آن رفت و نه تنها روان مردم، که سلامتی مردم نیز می‌تواند مورد چپاول قرار گیرد. اما منشا ماجرای اخیر یعنی همین آلودگی آب تهران هم، درست از همان جایی است که بقیه آلودگی‌ها و ناامنی‌ها ناشی از آن است:

سودمحوری منشا همه آلودگی‌هاست.



چه فرق می کند که...

کارگرم و زنجیری بافته از "بایدها"

شناسنامه‌ی من است

و همین زنجیر برای شناسایی‌ام کافی‌ست

پوست صورتم سفید یا سیاه

زرد یا سرخ

رنگ مویم تیره یا روشن

محل تولدم زمین

چه فرق می کند کجای زمین

هرجا که باشم "باید" با من است

باید از معادن مواد خام استخراج کنم

چه فرق می کند با ناخن یا دینامیت

خونم برای معدن، حکم آب برای مزرعه دارد

باید از اعماق نفت در بیاورم

چه فرق می کند خشکی یا دریا

نفت برای سرمایه، حکم خون در بدن را دارد

سرسبز جنگل را باید با اراهی سرمایه ببرم

تا برکاغدهای ساخته شده از آن

تبلیغات انتخاباتی را در چشمم فرو کنند

و چه فرق می کند در کجا

باید از پنبه و پشم، پارچه

و از آهن و سیمان، پل و تونل بیافرینم

تا برای اتو کشیده‌ها

همه‌جا قابل دسترس باشد

شاید لازم شود در همان محل کارم

از تانک و نفربر استفاده کنند

و چه فرق می کند که برای سرکوب کدامین من

باید از تلفیق خونم با طبیعت، ثروت ایجاد کنم

و چه فرق می کند که زمین و من کی تباه شویم

باید از قانون اطاعت کنم

و چه فرق می کند کدام قانون

باید همواره شاکر باشم

و چه فرق می کند از چه کسی

باید تولید کنم

و چه فرق می کند چه باشد

مهم این است که سود "آقا" رضایت‌بخش باشد

و چه فرق می کند کدام آقا

پس "باید" وقتی هم برای زندگی داشته باشم

"نباید"

این مادر همه‌ی نبایدهایی‌ست که می‌شنوم

و فرق نمی‌کند

از کدام کارفرما

و در کجای زمین

زمان آن رسیده که خود را

از زنجیر "باید" رها کنم

و چه فرق می کند که زنجیرم را

کدام زنجیربافی بافته باشد

عمو زنجیرباف ایرانی یا عمو سام امریکایی

دروغ هر چه بزرگ‌تر

باور ناپذیرتر

بعد از اعتصاب غذای طولانی زندانیان سیاسی که به‌خاطر بدرفتاری و اعمال فشارهای سنگین و طاقت‌فرسا، که به آنان و خانواده‌های آنان صورت می‌گرفت و اخبار آن در سطح جهان و تمامی رسانه‌ها مطرح شد، رییس زندانبانان جمهوری اسلامی در گفت‌وگویی با ایسنا گفت: "در طول این مدت بالغ بر ۱۰۰ زندان را دیده‌ام و می‌توانم ادعا کنم اکثریت قریب به اتفاق زندانیان، اگر نگویم صد در صد، ۹۹ درصد زندانیان، از رفتار زندانبانان گله ندارند. و بخشی گله‌ها در مورد فضاست... " او ادعا می‌کند موارد بی‌انضباطی؟! و عدم رعایت مقررات، به ندرت اتفاق می‌افتد. (شرق ص ۲، ۲۷ خرداد ۸۹)

برداشته‌اند. اینان را در همه‌جا و به‌وفور می‌توان دید. اگر یک‌بار هم به هر دلیلی به کلانتری و... سر زده باشید، متوجه شده‌اید که مشت نمونه خروار است و رفتارهایی را مشاهده کرده‌اید که وجدان هر بیننده و شنونده‌ای را متاثر می‌سازد. نمونه بارز آن هم اعتصاب غذای اخیر زندانیان سیاسی اوین است. زندانیانی که خود در بدترین شرایط به سر می‌برند، باید دیوانه باشند که بخواهند با اعتصاب غذای تر و یا خشک، خویش را ضعیف‌تر و نحیف‌تر کنند؟ در شرایطی که برای مراجعه به درمانگاه، حتا برای معالجه دندان‌درد و سرماخوردگی باید از هفت خان رستم عبور کنند، چرا باید در شرایط حداقل مناسبات و اوضاع انسانی، ریسک به‌خطر انداختن سلامتی خود و نگرانی خانواده‌ها را بپذیرند؟ بخش قابل توجهی مردم ایران، به‌طور مستمر و

برای ما روشن است که چگونه و با بازدید یک مسئول و در غیاب کمیته نظارتی مردمی بر امور زندان‌ها و جو سانسور بر امور زندان‌ها و خود سانسوری شدید مطبوعات و این رادیو و تلویزیون، می‌توان اسرار واقعی و روند امور وقایع را در داخل بندها و در ضمن بازجویی و... و در مواقع تنبیهات پی برد و به این ارقام و آمار رسید. اما اگر بازدید گسترده و مرتبی هم وجود داشته باشد، حتما صوری است و البته فکر همه‌چیز از قبل شده است. پس با اطمینان خاطر می‌گویم شما ۱۰۰ درصد راست نمی‌گویید و اما دلایل:

- تا به حال تعداد بسیار زیادی از زندانیان سیاسی و عادی، بعد از بیرون آمدن از جهنم بازداشتگاه‌ها و توصیف و توضیح شرایط داخل زندان‌ها، پرده از شکنجه‌ها و اوضاع وحشتناک و اسف‌بار زندان‌ها در مورد تغذیه و بهداشت و درمان و ملاقات و...

روزانه با روزنامه‌ها و سایت‌ها و ... در تماس و ارتباط‌اند و وقایع و موضوعات سیاسی را دنبال می‌کنند، می‌بینند و می‌شنوند. به‌عنوان مثال، در مورد منصور اسانلو، مجید توکلی، ارژنگ داوودی و ... که توسط ماموران و اجیرشدگان آنها مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، در کمتر از ۲۴ ساعت اخبار آن به تمام نقاط دنیا منعکس شد. نمونه آن فیلمی است که چندی پیش از زندان گوهردشت کرج به خارج از زندان درز کرد که نشان می‌داد ماموران چه رفتاری با زندانیان دارند. البته به‌خاطر انتقال فیلم به بیرون از زندان، حدود ۲۰ زندانی گوشمالی شدید شدند.

دوران نازی‌ها که گوبلز (وزیر هیتلر و مسئول تبلیغات) می‌گفت هرچه دروغ بزرگ‌تر باشد، کمتر کسی به آن شک می‌کند گذشته است! مردم واقعا می‌فهمند! باور کنید.

همین چند روز پیش بود که ۲۲ نفر از رده‌ها و قسمت‌های گوناگون نیروی انتظامی درگیر در ماجرای کهریزک، (که در سطوح بالا هم از آن به عنوان جنایتی بزرگ یاد می‌شود) محاکمه شدند. دو نفر سرهنگ و چند افسر به‌خاطر بد رفتاری و ... محاکمه شده‌اند. خوب دقت کنید دو نفر با درجه سرهنگی، نه سرباز صفر کیلومتر. یعنی آدم‌هایی آموزش دیده و سن و سال دار. آدم‌هایی حرفه‌ای که مسلماً نه یک روزه و نه از روی عصبانیت مرتکب جنایت شده‌اند، بلکه کسانی هستند که آگاهانه، عاملانه و سیستماتیک و سازمان‌یافته و آموزش دیده جنایت کرده‌اند. چرا که اصولاً پدیده‌هایی همچون ارتکاب جنایت، به زمینه‌ها و مسایل متعدد قدیمی و آموزش ارتباط

درد و کار هر کسی نیست. خانم زهرا کاظمی، دکتر پور اندرجانی (پزشک وظیفه کهریزک)، زهرا بنی یعقوب و ده‌ها نفر قربانی بی‌گناه دیگر، کجا، چگونه و با دستور چه کسانی به قتل رسیده‌اند؟ چرا اعلام شد که آنها خودکشی کرده‌اند؟ چرا هیچ‌کس در هیچ‌جایی با بحثی قانع‌کننده به افکار عمومی توضیح نداد مسئولین و آمرین قتل‌ها چه کسانی بودند؟ چرا مرگ قربانیان بازداشت‌گاه کهریزک را فوت بر اثر بیماری مننژیت اعلام کردند؟ دروغ و لاپوشانی

۱۸ درصد آنان آزمایش ایدز مثبت داشته‌اند. (شرق ۳۱ مرداد) می‌دانیم که برای معالجه بیماری سل، بهداشت، تغذیه، نور آفتاب و هوای تمیز از عوامل بسیار تعیین‌کننده‌ای هستند و خود این بیماری و گسترش آن، آیا نشان نمی‌دهد که زندان‌های ایران در امور فوق‌تقریباً هیچ امکانی ندارند و از این نظر بسیار پر مخاطره هستند؟ گفته‌های آقای اسماعیلی گواه خوبی است: "فضای زندان‌ها بسیار کمتر و یک فاصله ۵۰ درصدی داریم. با وجود کمبود بودجه و ... یک عقب‌ماندگی چند ده ساله داریم." (شرق ۲۷ مرداد ۸۹)

مسئولانی که با سایرین در زیر یک سقف با کمترین امکانات نگهداری می‌شوند، علی‌رغم کمبود جا و مکان، نبود بهداشت و درمان معمولی، عدم تغذیه مناسب، عدم ملاقات، استرس و ده‌ها بلا و مصیبت و گرفتاری، "۹۹ درصد" از وضع خود راضی‌اند و گله‌ای ندارند؟؟!!

در انتها به مسئول زندان‌بانان باید بگوییم که به-فرض محال، حتا اگر تمام سوابق و علایم و امور، گذشته باشند و به شما هم اطمینان ۱۰۰ درصدی داشته باشیم و اگر زندان‌ها و بازداشت‌گاه‌های ایران تماماً به هتل ۵ ستاره تبدیل شده باشند، باز معتقدیم که:

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

حقوق انسانی زندانی، رعایت باید گردد.

چرا هیچ‌کس در هیچ‌جایی با بحثی قانع‌کننده به افکار عمومی توضیح نداد مسئولین و آمرین قتل‌ها چه کسانی بودند؟ چرا مرگ قربانیان بازداشت‌گاه کهریزک را فوت بر اثر بیماری مننژیت اعلام کردند؟ دروغ و لاپوشانی برای چه امری و با دستور چه کسی انجام شد؟

برای چه امری و با دستور چه کسی انجام شد؟ چرا به یکی از این سوال‌ها و سوال‌های مشابه پاسخ داده نمی‌شود؟ چرا اجازه داده نمی‌شود که وکیل متهم در تمامی مراحل، به‌خصوص مرحله تحقیقات و بازجویی حضور فعال و تمام و کامل داشته باشد؟ بیشتر متهمان در دادگاه عتراف خود را ناشی از فشار شدید دانسته و آن را مردود عالم کرده‌اند. هزاران مورد تاریخی ۳۲ ساله به‌خصوص از تابستان ۱۳۶۷ موجود است. از قول وزیر بهداشت و درمان می‌خوانیم نسبت

هم‌چنان در زندان است. صدور حکم جدید وی، در حال است که زندانی سیاسی با آن همه حفاظ امنیتی نمی‌تواند در زندان مرتکب تخلفی شده باشد و این نوع جدیدی از دادگاه است. آنها در شرایط سخت بازداشت، از او خواسته‌اند که از هرگونه فعالیت دست بردارد. در کنار این دادگاه‌ها، بازداشت‌گسترده‌ی فعالان کارگری ادامه یافته است. به عنوان مثال در سه ماه گذشته، علی‌اخوان از فعالان کانون مدافعان

هم‌چنان در زندان است. صدور حکم جدید وی، در حال است که زندانی سیاسی با آن همه حفاظ امنیتی نمی‌تواند در زندان مرتکب تخلفی شده باشد و این نوع جدیدی از دادگاه است. آنها در شرایط سخت بازداشت، از او خواسته‌اند که از هرگونه فعالیت دست بردارد. در کنار این دادگاه‌ها، بازداشت‌گسترده‌ی فعالان کارگری ادامه یافته است. به عنوان مثال در سه ماه گذشته، علی‌اخوان از فعالان کانون مدافعان

فعالان کارگری زیر فشار حکومت

تکرار سناریو دهه ۱۳۶۰

بازداشت فعالان کارگری و تحت فشار قرار دادن خانواده زندانیان، هم‌چنان ادامه دارد. شماری از بازداشت‌شدگان اول ماه مه ۱۳۸۸ در پارک لاله به دادگاه‌ها احضار شده‌اند. منصور اسانلو، در آستانه اتمام ۵ سال حبس، مجدداً به دادگاه فراخوانده شد، به یک سال حبس جدید محکوم گردید و

ندارند.

این حرکات نشان از هجوم به فعالان کارگری است. سوال این است که این بازداشت‌ها با چه انگیزه‌ای صورت گرفته است، در حالی که اتفاق جدیدی در فعالیت‌های کارگری نیفتاده است، کارگران و زحمت‌کشان همانند گذشته، در شرایط سخت فقر و بیکاری و عدم امنیت شغلی قرار دارند، هم‌چنان از داشتن تشکل‌های مستقل خود محروم‌اند و اعتراضات پراکنده آنان، با نیروهای امنیتی و خشونت پاسخ داده می‌شود. این وضعیت تازه‌ای نیست، سال‌هاست که برای کارگران، در بر همین پاشنه می‌چرخد.

شرکت کارگران، زحمت‌کشان، دانشجویان، معلمان و سایر اقشار تحت ستم، در اعتراضات اخیر، مساله جدیدی نیست که نیروهای امنیتی را حساس کرده باشد. زیرا در این اعتراضات، به گفته خود مقامات، گاه تا ۵ میلیون نفر از مردم شرکت داشتند. اکنون هم این اعتراضات به شیوه قبلی فروکش کرده است.

آنچه که تازه است، تشدید اختلافات داخلی در میان جناح‌های مختلف حکومتی، آن هم در سطوح بالاست.

حوادث ماه‌های اخیر، بیان‌گر آن است که جناح‌های مختلف قدرت بر سر تصاحب سهم بیشتر از استثمار لجام‌گسیخته کارگران و زحمت‌کشان و تملک اموال عمومی، به شدت با یکدیگر درگیر شده‌اند و این درگیری‌ها، به رویارویی دولت و مجلس از یک‌سو و قوه قضاییه و نهادهای نظامی از سوی دیگر انجامیده است. گویا هر چه این درگیری‌ها شدیدتر می‌شود و مسئولان از حل مسایل پیش رو ناتوان‌تر می‌شوند، چاره کار را در تهاجم لجام‌گسیخته‌تر به فعالان کارگری می‌یابند.

فعالان کارگری نه امروز، که سال‌هاست در دفاع از حقوق کارگران و زحمت‌کشان و یادآوری حقوق از دست‌رفته آنان، تلاش می‌کنند و در این راه محرومیت‌ها، اجحاف‌ها و ظلم و ستم‌های فراوانی را تحمل کرده‌اند. زندانی شدن منصور اسانلو، ابراهیم مددی، اعضای سندیکای نیشکر هفت‌تپه و

دستگیری شرکت‌کنندگان در مراسم روز کارگر در سال‌های مختلف هم، بیان‌گر آن است که فعالان کارگری در دفاع از حقوق کارگران و زحمت‌کشان هیچ‌گاه از پای ننشسته‌اند.

به نظر می‌رسد که با شدت گرفتن تضادهای داخلی حکومتیان و قدرت‌مداران، آنان راه چاره را در فشار بیشتر به کارگران و زحمت‌کشان می‌یابند. آنان می‌خواهند با این فشارها، فعالان کارگری را وادار کنند تا دست از دفاع از حقوق کارگران و زحمت‌کشان بردارند. آنان در آستانه اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها، که خود به خوبی می‌دانند

در انتهای دهه شصت، پس از سرکوب نیروهای طرفدار طبقه کارگر بود که دعوت از سرمایه‌های بین‌المللی آغازیدن گرفت و وام‌های ریز و درشت بانک‌های جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به ایران سرازیر شد. ایران با تمام وجود، در مدار سرمایه‌گذاری جهانی قرار گرفت. نظام سرمایه‌داری ضربه خورده از دوران سرنگونی شاه، به نحو گسترده‌تر و بی‌سابقه‌ای، بازسازی شد و فاصله طبقاتی بارها و بارها بیشتر از دوره شاه و حاکمیت سیاه او افزایش یافت. شاه و حاکمیت سیاه او افزایش یافت.

حاصل آن، فشار هرچه بیشتر بر مزدگیران و حقوق‌بگیران است، می‌خواهند هرگونه صدای دفاع از زحمت‌کشان را قطع کنند تا با خیال راحت، به سفره‌ی خالی مزدبگیران و زحمت‌کشان بتازند.

آنان باید بدانند که با چنین ترفندهایی نمی‌توانند هرگونه که بخواهند با مردم تحت ستم و زیر بار فقر رفتار کنند و اگر هم موفق شوند که عده‌ای را دستگیر کرده و سکوتی موقتی در میان فعالان کارگری به وجود آورند، این بار خود کارگران و زحمت‌کشان تحت ستم و فشار هستند که به میدان خواهند آمد.

فعالان کارگری و طرفداران حقوق کارگر، در

دهه‌ی ۱۳۶۰ زیر بار فشار بی‌امان دستگاه‌های حکومتی قرار گرفتند و دسته‌دسته به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. حتا بخشی که موضع به اصطلاح "ضد امپریالیستی" حکومت را تایید می‌کردند و در همکاری با نیروی‌های حکومتی، از هیچ چیز فروگذار نکرده بودند نیز، دسته‌دسته در زیر تیغ قتل عام مخالفان و دیگربودگان قرار گرفتند و بسیاری به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

در آن سال‌ها به نام مبارزه با امپریالیسم، ضد امپریالیست‌ترین نیروها را به کام مرگ فرستادند و نتیجه آن را هم، در رشد و گسترش بلافاصله سرمایه‌داری و نیروهای طرفدار غرب شاهد بودیم.

در انتهای دهه شصت، پس از سرکوب نیروهای طرفدار طبقه کارگر بود که دعوت از سرمایه‌های بین‌المللی آغازیدن گرفت و وام‌های ریز و درشت بانک‌های جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به ایران سرازیر شد. ایران با تمام وجود، در مدار سرمایه‌گذاری جهانی قرار گرفت. نظام سرمایه‌داری ضربه خورده از دوران سرنگونی شاه، به نحو گسترده‌تر و بی‌سابقه‌ای، بازسازی شد و فاصله طبقاتی بارها و بارها بیشتر از دوره شاه و حاکمیت سیاه او افزایش یافت. فعالان کارگری و طرفداران حقوق کارگران در آن دهه شوم، پیش پای گسترش سرمایه‌داری و نهادهای آن قربانی شدند تا ایران، وفاداری خود را به نظام جهانی نشان دهد.

اکنون که بار دیگر جنگ‌طلبان بر طبل جنگ و حمله به ایران و تصرف آن کوبیده و نعره سر می‌دهند، محافلی که برای تسلیم در برابر امپریالیست‌ها چشمک و چراغ رد و بدل می‌کنند، بار دیگر به جان فعالان کارگری افتاده و آنان را تحت فشار قرار می‌دهند. دستگیری‌های ریز و درشت و محدود کردن فعالان کارگری، بار دیگر خبر از رشد محافلی می‌دهد که برای هر چشمک به سرمایه‌داری، حاضرند که طرفداران و مدافعان حقوق کارگر را قربانی کنند تا وفاداری خود را به نظام سلطه جهانی ثابت کنند.